



تبعیض علیه کودکان تأملی در مفهوم تلاشی برای تعریف از رهگذر مطالعه تطبیقی اسناد بین المللی حقوق بشر

پدیدآورنده (ها) : نوری، سید مسعود

میان رشته ای :: نشریه نامه مفید :: تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۸۵ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۱۳۱ تا ۱۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/899328>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۵/۰۱/۲۲

کاربر گرامی، فایل دانلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- مقابله با هرزه نگاری کودکان: بررسی تطبیقی اسناد بین المللی و قوانین کیفری ایران
- مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی علیه بزهکاری کودکان و نوجوانان در قوانین افغانستان و اسناد بین المللی
- بررسی تطبیقی بازداشت موقت در مقررات و رویه دادگاه های کیفری بین المللی با اسناد حقوق بشر و حقوق داخلی
- آسیب شناسی مسئولیت بین المللی دولت ها در اعمال تحریم های ناقص حقوق بشر زنان و کودکان از منظر ملاحظات حقوق بنیادین بشری (مطالعه موردی تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران)
- تعریف و مفهوم حریم خصوصی و بررسی آن در قانون اساسی ایران و اسناد بین المللی
- سیاست جنایی تقنینی- قضایی ایران در قبال جرایم جنسی علیه کودکان در پرتو اسناد بین المللی
- تأملی بر نقش دولت ها و نهاد خانواده در تضمین و حمایت از حقوق کودکان در فضای مجازی از منظر اسناد بین المللی حقوق بشر
- حمایت از کودکان در حقوق بشر دوستان اسلامی و مقررات بشر دوستانه بین المللی
- بین المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت ها در عصر جهانی شدن
- لغو برده داری از گذشته تا امروز: بازخوانی توسعه مفهوم برده داری در اسناد و آرای محاکم بین المللی

«تبعیض علیه کودکان»

تأملی در مفهوم، تلاشی برای تعریف از رهگذر

مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی حقوق بشر

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۲/۲۸

تاریخ تأیید: ۸۹/۰۹/۱۶

سید مسعود نوری^۱

استادیار دانشگاه مفید

چکیده

بهرغم آنکه اصطلاح «تبعیض» به طور عام و «تبعیض علیه کودکان» به طور خاص بسیار پرکاربرد هستند این دو نه در اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف شده‌اند، نه در میثاقین و نه در پیمان‌نامه حقوق کودک؛ اما این به معنای فقدان تعریفی، هر چند اجمالی از این اصطلاح در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیست. در اسناد متعددی که برای مقابله با تبعیض در قلمروها و موضوعات خاص تدوین شده‌اند، تعاریفی برای اصطلاح تبعیض، البته از همان منظر ارائه شده است. از مقایسه و انتزاع قدر جامع این تعاریف مجزا و سپس الغای خصوصیت‌های آن تعاریف، می‌توان به تعریف کلی-که بشود ادعا کرد مقبول نظام بین‌الملل حقوق بشر است- دست یافت. مقاله حاضر نخست مروری دارد بر تعریف اصطلاح «تبعیض» در اسناد خاص حقوق بشری؛ سپس نقش نهادهای نظارتی حقوق بشری در تبیین اصل عدم تبعیض مطالعه را می‌کند و در نهایت برای اصطلاح «تبعیض علیه کودکان» تعریفی پیشنهاد کرده، اجزا و قیود چهارگانه آن تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: تبعیض، تبعیض علیه کودکان، نهادهای نظارتی اسناد حقوق بشر، پیمان‌نامه حقوق کودک، کرامت انسانی کودک

۱- تعریف «تبعیض» در اسناد خاص حقوق بشر

افزون بر اسناد عام حقوق بشر، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، پاره‌ای از اسناد برای تبیین موضوع تبعیض و وضع مقررات مقابله با آن در قلمروی خاص، یا علیه گروه یا طبقات مشخصی از افراد تدوین و تصویب شده‌اند. بدیهی است در این دسته از اسناد، همان موضوع و ذی‌نفعان در کانون توجه هستند، بنابراین تعریفی که از تبعیض هم در آن اسناد وجود دارد، محدود به همان موضوع آن‌هاست، نه کلی و فراگیر. نمونه‌هایی از این دسته اسناد و آن تعاریف خاص، بدین قرار است:

کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب دسامبر ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۴ خورشیدی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد (که سال قبل از تصویب میثاقین به تصویب رسیده) در بند ۱ ماده ۱ بیان می‌کند: «در قرارداد حاضر اصطلاح «تبعیض نژادی» اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده و

1. Email: sm_noori@yahoo.com

هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمعّن و یا استیفا در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد».

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مصوّب دسامبر ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۸/۹/۲۸ خورشیدی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماده بیان می‌دارد: «از نظر این کنوانسیون، عبارت «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل آن‌ها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است».

کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش و پرورش مصوّب کنفرانس عمومی سازمان تربیتی علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ (که برابر مقررات پیش‌بینی شده در ماده ۱۴، از ۲۲ می ۱۹۶۲ لازم‌الاجرا شده است) در بند ۱ ماده ۱ مقرر داشته است: «واژه «تبعیض» در این کنوانسیون شامل هرگونه تمایز و تفاوت‌گذاری، محروم‌سازی، ایجاد محدودیت، یا رجحان قائل شدن بر اساس نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا ناشی از ولادت است که هدف یا تأثیر آن از بین بردن یا تضعیف برابری رفتار در زمینه آموزش و پرورش به‌ویژه در زمینه‌های زیر باشد:

- الف- محروم کردن هر فرد یا گروه از افراد از دسترسی به هر نوع یا سطح از آموزش و پرورش؛
- ب- محدود کردن هر فرد یا گروه از افراد به آموزش و پرورش با استاندارد و معیار پست‌تر؛
- ج- براساس موضوع مفاد ماده ۲ این کنوانسیون، ایجاد یا حفظ نظام‌ها یا نهادهای آموزشی جداگانه برای اشخاص یا گروه‌های اشخاص؛

د- تحمیل شرایطی که با شرافت و شأن انسان ناسازگار باشد به هر شخص یا گروه اشخاص».

بند ۲ ماده ۲ اعلامیه حذف تمامی اشکال تعصّب و تبعیض بر مبنای دین یا عقیده (قطعنامه ۳۶۵۵ مصوّب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی) بیان می‌کند: «برای مقاصد اعلامیه حاضر، عبارت «تعصّب و تبعیض بر مبنای دین یا عقیده» به معنی هر تمایز، محروم‌سازی، محدودیت یا رجحان بر مبنای دین یا عقیده است که مقصود یا تأثیر آن خنثی کردن یا تضعیف شناسایی، برخورداری یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی بر مبنایی برابر باشد».

گرچه این تعاریف به مقتضای آنکه در اسنادی است که اساساً به موضوع خاصی، مثلاً تبعیض نژادی می‌پردازند، در برگیرنده معنای تبعیض در همه ابعاد و نسبت به تمامی افراد نیستند، اما در سامان دادن تعریفی برای اصطلاح «تبعیض» از نظر نظام بین‌الملل حقوق بشر راهگشایند.

۲- نقش نهادهای نظارتی حقوق بشری در تبیین اصل عدم تبعیض

یکی از کارکردهای مهم نهادهای نظارتی که بر اساس اسناد بین‌المللی تشکیل می‌شوند، رفع ابهامات و اختلافات در فهم مفاد آن اسناد و تدوین دستورالعمل برای اجرای بهینه آن‌ها است. همچنان‌که گفته شد میثاقین، به‌رغم استفاده از اصطلاح «تبعیض» تعریفی از آن ارائه نکرده‌اند. برای رفع این کاستی، کمیته حقوق بشر (تشکیل شده بر اساس ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) در اظهار نظر عمومی^۱ صادره در سال ۱۹۸۹ با بیان اینکه «عدم تبعیض، همراه با مساوات افراد در مقابل قانون و حمایت مساوی قانون، بدون هیچ‌گونه تبعیض، از آحاد مردم، اصل بنیادی و کلّی مربوط به حمایت از حقوق بشر را تشکیل می‌دهد» و با اشاره به ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی و نیز ماده ۱ کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، متذکر می‌شود: «اصطلاح تبعیض در میثاق [حقوق مدنی و سیاسی] به مفهوم هر گونه تمایز، ممنوعیت، محدودیت یا رجحان مبتنی بر هر زمینه‌ای نظیر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیرسیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولّد یا موقعیت‌های دیگر است که هدف یا اثرش بی‌اعتبار کردن یا تضعیف وجهه، بهره‌مندی و استفاده برابر همه اشخاص از کلیه حقوق و آزادی‌ها است» (Human Rights Committee, 1998: 133).

بند ۱ ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور خاص در مورد نقی تبعیض علیه کودکان مقرر کرده است: «هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی مکتت یا نسب دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد». کمیته در نظریه عمومی توضیح داده است: «میثاق خواستار آن است که کودکان در مقابل تبعیض در هر زمینه، نظیر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی یا تولّد مورد حمایت قرار گیرند. عدم تبعیض مندرج در ماده ۲۴ به اقدامات حمایتی مربوط می‌شود. گزارش دولت‌های عضو باید نشان دهد قوانین و اقدامات اجرایی آنان چگونه رفع تبعیض در هر زمینه، از جمله وراثت، بویژه میان کودکان تبعه و بیگانه، یا میان کودکان مشروع و نامشروع را محقق خواهد کرد» (Ibid. 135-137).

کمیته حقوق کودک (تشکیل شده بر اساس ماده ۴۳ پیمان‌نامه حقوق کودک) به‌رغم اهمیت اساسی که برای ماده ۲ پیمان‌نامه قایل شده و تأکید دارد که موضوع عدم تبعیض باید در گزارش دولت‌ها مورد توجه ویژه باشد، تاکنون نظریه تفسیری درباره این ماده اظهار نداشته است؛ اما در اولین نظریه عمومی خود در سال ۲۰۰۱ ذیل موضوع «اهداف آموزش» (ماده ۲۹ پیمان‌نامه) بیان نموده است: «تبعیض بر پایه هر کدام از زمینه‌های فهرست شده در ماده ۲ پیمان‌نامه، اعم از

آنکه آن تبعیض پیدا باشد یا پنهان، به کرامت انسانی کودک آسیب می‌زند و زمینه‌ساز به مخاطره افتادن و یا حتی نادیده انگاشته شدن صلاحیت کودک در برخورداری از فرصت‌های آموزشی است. چنین رفتارهای تبعیض‌آمیزی با قسمت الف بند ۱ ماده ۲۹ که «تأمین نهایت حد ممکن رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک» را یکی از اهداف آموزش برشمرده، تعارض مستقیم دارد» (Committee on the Rights of the Child, 2001:434).

۳- تعریف تبعیض علیه کودکان و بررسی عناصر آن

۳-۱- تعریف تبعیض علیه کودکان

همچنان که پیش‌تر گفته شد با الهام و انتزاع از تعاریف موجود برای تبعیض در زمینه‌های خاص، می‌توان تعریفی کلی و جامع‌الاطراف به‌دست داد. در عینیت بخشیدن به این موضوع، و با الهام از اولین نظریه عمومی سال ۲۰۰۱ کمیته در شرح ماده ۲۹ پیمان‌نامه، می‌توان گفت: «تبعیض علیه کودکان عبارت است از هر فعل یا ترک فعل، بر پایه هر کدام از زمینه‌های فهرست شده در ماده ۲ پیمان‌نامه، که به طور مستقیم یا با واسطه، به کرامت انسانی کودک آسیب می‌زند و تأمین نهایت حد ممکن رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک را نفی کند یا به مخاطره اندازد».

۳-۲- فعل یا ترک فعل

رفتارهای تبعیض‌آمیز ممکن است در قالب فعل ایجابی انجام شود، مانند آنکه خانواده‌ای برای پسران خود امکانات آموزشی بهتری در سنجش با دختران خود فراهم آورد؛ یا دولتی شرایط اقتصادی مناسب‌تری برای یکی از اقوام ساکن در کشور ایجاد کند. از سوی دیگر رفتارهای سلبی و ترک فعل نیز ممکن است موجد شرایط و وضعیت‌های تبعیض‌آمیز باشد. مثلاً عدم اجرای ماده ۷ پیمان‌نامه^۱ و ثبت نکردن ولادت کودک، اعم از آنکه این ترک فعل در اثر اهمال والدین باشد یا در نتیجه قصور یا تقصیر دولت در فراهم کردن امکانات و مقدمات لازم، زمینه را برای تحمیل انواع تبعیضات و سوءرفتارها علیه این کودک نامریبی ایجاد می‌کند.

این موضوع معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و مثلاً به صرف اینکه از خانواده یا دولتی رفتار ایجابی تبعیض‌آلودی، مانند فرقی‌گذاری بر اساس جنسیت و نژاد، سر نزد این تلقی به وجود می‌آید که آن خانواده و کشور از تبعیض مبرا است. برای پیشگیری از این ساده‌اندیشی، تعریف

۱. ماده ۷، ۱- تولد کودک باید بلافاصله پس از به دنیا آمدن او ثبت می‌شود و کودک از بدو تولد از حق داشتن نام، حق کسب تابعیت و تا حد امکان از حق شناختن والدین و قرار گرفتن تحت مراقبت آنان برخوردار خواهد بود. ۲- کشورهای عضو اعمال حقوق مذکور را مطابق با قوانین داخلی خود و تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه، به ویژه در مواردی که عدم اعمال این حقوق موجب بی‌تابی کودک شود، تضمین خواهند نمود.

پيشنهادى بر «ترك فعل» به عنوان يكى از زمينه‌هاى تحقق تبعض تصريح ورزيده است. عبارت «ترك فعل»، وضعيت «غفلت»^۱ از كودكان را نيز در بر مى‌گيرد. اين اصطلاح مفهومی گسترده داشته، شامل برآورده نساختن نيازهاى مادى و عاطفى كودكان و فقدان مراقبت از جسم و روان آنان و عدم محافظت و هدايت شايسته ايشان مى‌شود. بى‌كفايتى والدين و سرپرستان در مراقبت كودكان عامل اصلى مرگ و مصدوميت ناشى از حوادث خانگى بوده و عامل مؤثرى براى كشيده شدن كودكان به موقعيت‌هاى مخاطره آفرين، مانند استعمال مواد مخدر و تماس‌هاى جنسى پيش از بلوغ محافظت نشده است (Donnell & Seymour, 110). تبعض اعمال شده علیه كودكان در قالب «غفلت» از آنان، سالانه به مرگ بسيارى از ايشان مى‌انجامد.^۲ برخى تحقيقات و آمارها نشان مى‌دهد در ايالات متحده غفلت، بيش از خشونت باعث مرگ و مير كودكان مى‌شود (A League Table of Child Maltreatment Deaths in Rich Nations, Innocenti Report Card, Issue No. 5 2003). شكل افراطى «غفلت»، كه «طرد»^۳ كودكان است نيز موجب تبعض و رفتارهاى خطرآفرين علیه آنان، از جمله رها ساختن كودكان ناخواسته، به ويژه كودكان متولد در خارج از چارچوب‌هاى قانونى مى‌شود.

گنجاندن «ترك فعل» به‌عنوان يكى از اجزائى تعريف «تبعض» با عنايت به اين واقعيات و نيز ملهم از ماده ۱۹ پيمان‌نامه است^۴ كه، «بى‌توجهى و رفتار توأم با سهل‌انگارى»^۵ را كه از مقوله ترك فعلند، در كنار «اشكال خشونت جسمى يا روانى، صدمه يا آزار، سوء رفتار يا بهره‌كشى» كه از افعال ايجابى هستند، ممنوع دانسته و دولت‌هاى عضو را به مقابله با آن‌ها فراخوانده است. در تأييد اين برداشت كه مى‌توان از اصطلاحات «بى‌توجهى و رفتار توأم با سهل‌انگارى» براى تعريف تبعض علیه كودكان بهره‌گرفت، يادآورى مى‌گردد يكى از صاحب‌نظران اظهار عقیده كرده ميان ماده ۱۹ پيمان‌نامه كه درباره «حق كودك در برخوردارى از حفاظت در برابر همه اشكال خشونت» و ماده ۲۴ ميشاق بين‌المللى حقوق مدنى و سياسى كه به پاره‌اى حقوق كودكان، به ويژه «نفى تبعض در رفتار با آنان»

1. Neglect

۲. مثلاً بر اساس تحقيقات سازمان بهداشت جهانى سالانه ۴۰۰/۰۰۰ كودك زير ۵ سال در اثر حوادثى مانند غرق شدن، سوختگى، مسموميت و حوادث جاده‌اى جان خود را از دست مى‌دهند. ر. ك:

WHO Press Release WHO/12, 3 March 2002.

3. Abandonment

۴. ماده ۱۹: ۱- كشورهاى عضو كليۀ اقدامات قانونى، اجرائى، اجتماعى و آموزشى لازم را به عمل خواهند آورد تا از كودك در برابر كليۀ اشكال خشونت جسمى يا روانى، صدمه يا آزار، بى‌توجهى يا رفتار توأم با سهل‌انگارى، سوء رفتار يا بهره‌كشى، از جمله سوءاستفاده جنسى در حين مراقبت توسط والد (يا والدين)، سرپرست (يا سرپرستان) قانونى يا هر شخص ديگرى كه عهده‌دار مراقبت از كودك است، حمايت كنند. ۲- اين گونه اقدامات حمايتى بايد بر حسب مورد شامل روش‌هاى مؤثر براى ايجاد برنامه‌هاى اجتماعى جهت فراهم نمودن پشتيبانى لازم از كودك و كسانى كه عهده‌دار مراقبت از كودك هستند و نيز پشتيبانى از ديگر شكل‌هاى پيشگيرى و شناسايى، گزارش‌دهى، ارجاع، تحقيق، درمان و پيگيرى موارد سوء رفتار با كودك كه قبلاً ذكر گرديد، و بر حسب مورد پشتيبانى از پيگرد قضائى باشد.

5. Neglect or Negligent Treatment

پرداخته است^۱ و به موضوع «نفی تبعیض» توجّه داده است. ارتباط وجود دارد. وی با یادآوری فقدان مقرراتی که مستقیماً دربارهٔ حمایت از کودکان در برابر سوء استفاده و بی‌توجهی، در دورانی که تحت مراقبت والدین یا یکی از آنان، سرپرستان قانونی، یا سایر افرادی که عهده‌دار مواظبت از کودکان هستند در بیشتر کنوانسیون‌های عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، بر آن است سوء استفاده و غفلت از کودکان در خانواده، مشمول مادهٔ ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و مادهٔ ۳ کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۲، و نیز مواد ۷ و ۱۷ منشور اجتماعی اروپا^۳ است (Sharon, 1999: 320).

بند ۱ مادهٔ ۲۴ میثاق مشخصاً مقرر می‌کند که برای تحقق حقوق کودک، او باید از میزانی از مراقبت که با توجّه به وضعیت خود، به عنوان یک کودک، نیاز دارد، برخوردار باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از دیدگاه این محقق میان لزوم اجتناب از غفلت و مسامحه و اهمال در مراقبت و حفاظت از کودکان (که از مقولهٔ ترک فعل هستند) و موضوع نفی تبعیض علیه آنان ربط وثیق وجود دارد و بند ۱ مادهٔ ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه کودکان را نفی و نهی می‌کند، می‌تواند یکی از مستندات نفی و منع اهمال نسبت به آنان تلقی گردد.

بند ۱ مادهٔ ۹ پیمان‌نامه نیز موضوع «بی‌توجهی» به کودکان را مطرح کرده و آن را یکی موارد خاصی دانسته که مقامات قضایی می‌توانند برای تأمین منافع عالیّهٔ کودک به جدایی او از والدینش حکم کنند.^۴ در متنی که با همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و آیسسکو و یونسف دربارهٔ وضعیت کودکان در جهان اسلام تدوین شده است نیز همین دیدگاه پذیرفته شده و غفلت از کودکان، در کنار جنگ، خشونت، استثمار از انواع سوء استفاده و تبعیض علیه کودکان شمرده شده که صدها میلیون کودک را در سطح جهان قربانی کرده است (Investing in the Children of the Islamic World, 2005: 19).

۱. مادهٔ ۲۴، ۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب یا نسب، دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانوادهٔ او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد. ۲- هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود. ۳- هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد.

2. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHR)

متن مادهٔ ۳ این کنوانسیون که به آن برای ممنوعیت مسامحه‌کاری و غفلت نسبت به کودکان استناد شده چنین است:

No one shall be subjected to torture or to inhuman or degrading treatment or punishment.

3. European Social Charter (ESC)

و متن مواد ۷ و ۱۷ این سند که بدان‌ها استناد شده بدین قرار:

7. Children and young persons have the right to a special protection against the physical and moral hazards to which they are exposed.

17. Mothers and children, irrespective of marital status and family relations, have the right to appropriate social and economic protection.

۴. مادهٔ ۹، ۱- کشورهای عضو تضمین خواهند که کودک از والدین خود برخلاف میل آنان جدا نشود، مگر در مواردی که مقامات واجد صلاحیت مطابق قوانین و مقررات قابل اعمال و پس از بررسی‌های قضایی حکم دهند که این جدایی برای منافع عالیّهٔ کودک ضروری می‌باشد. چنین حکمی ممکن است در مواردی به خاص از قبیل سوء استفاده از کودک‌بی‌توجهی والدین به او توسط والدین، یا زمانی که والدین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و باید در مورد محل اقامت کودک تصمیم‌گیری شود، ضروری باشد.

بی توجهی نسبت به کودکان ممکن است عمدی باشد یا از ناتوانی والدین، جامعه یا دولت در فراهم ساختن امکانات مناسب برای آنان ناشی شود. به بیان دیگر در تحقق تبعیض علیه کودکان، عمد یا غفلت فاعلان و مسببان موضوعیت ندارد، گرچه ممکن است میزان مسئولیت فاعل عمدی و موجب غیر عمدی رفتار تبعیض آمیز متفاوت باشد. بی توجهی به کودکان و تبعیض ناشی از آن در همه جوامع، به شکل های گوناگون و درجات متفاوت وجود دارد. مثلاً در کشورهایی که میزان اشتغال زنان و مردان تقریباً به هم نزدیک است، معضل عدم توجه کافی به کودکانی که والدین شاغل دارند بروز کرده و بسیاری از کودکان ابراز می کنند که از احساس «تنهایی»^۱ رنج می برند. تبعیض موجود میان این کودکان و آنان که چنین وضعیت نامطلوب و احساس بدی ندارند، موضوعی جدی است که ممکن است رشد متوازن و همه جانبه شخصیت آنان را تهدید کند (Hodgkin & Newell: 264).

۳-۳- زمینه های فهرست شده در ماده ۲ پیمان نامه

پیش از پرداختن به ماده ۲ پیمان نامه، یادآوری می شود ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا دیگر عقاید، ملیت، منشأ اجتماعی، ثروت، تولد یا سایر موقعیت ها را به عنوان علل ممنوعه برای تبعیض یاد کرده، اما برای پیشگیری از شبهه انحصار زمینه های ممنوعه در این موارد، پیش از بیان آن ها، عبارت «بدون هر نوع تمایزی، مانند»^۲ را آورده است. بنابراین تردیدی در تمثیلی بودن، و البته رایج تر بودن زمینه های تبعیض مذکور در ماده ۲ اعلامیه باقی نمی ماند. به رغم پاره ای مباحثات و اختلافات نظرها، بند ۲ ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هم بر همین منوال تفسیر شده است (Craven, 2002: 167-177). زمینه های بیان شده برای تبعیض در ماده ۲ پیمان نامه، که افزون بر دو سند مهم یاد شده، در شماری دیگر از اسناد بین المللی هم مطرحند^۳، مثال هایی واضح و معیارهایی آشکار برای تبعیض هستند و جنبه حصری ندارند (Sharon, 1999: 75); (Hodgkin & Newell, 2002: 26). عبارات «بدون هر گونه تبعیض»^۴ و «یا سایر خصوصیات کودک»^۵ در ماده ۲ گواه روشنی بر حصری نبودن موارد ذکر شده در

1. loneliness

2. Without distinction of any kind, such as

۳. از جمله بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، بند ۱ ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. در اسناد جدیدتر هم به این زمینه های تبعیض و ضرورت مقابله با آن ها تأکید شده است. مثلاً در سند مبسوطی که با عنوان «جهانی شایسته کودکان» مصوبات ۱۰ می ۲۰۰۲ (برابر ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۲) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده، سران دولت ها در ردیف ۴۴ راهکارها و اقداماتی برای رسیدن به اهداف مورد توافق برشمرده اند که سومین آن ها این است: «اتخاذ مقررات ویژه برای از میان برداشتن تبعیض علیه کودکان به خاطر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، ریشه های ملی، قومی یا اجتماعی، مالکیت، وضعیت تولد یا غیره و تضمین دسترسی برابر ایشان به آموزش، بهداشت و خدمات اجتماعی پایه». برای دیدن متن کامل این سند رک:

Resolution adopted by the General Assembly S-27/2. A world fit for children. 10 May 2002.

4. Discrimination of any kind of irrespective of

5. Or other status of child

آن ماده است. بر همین اساس است که کمیته از دولت‌های عضو می‌خواهد در اقدامات خویش برای مقابله با تبعیض علیه کودکان، افزون بر زمینه‌های مصرّح در ماده ۲ و علاوه بر توجّه به کودکانی که گرفتار و قربانی زمینه‌هایی از تبعیض هستند که در مواد پیمان‌نامه مطرح شده‌اند^۱، به سایر شرایط منجر شونده به تبعیض نیز توجّه کنند^۲ و اقدامات خود برای تغییر آن وضعیت‌ها را هم در گزارش‌های ادواری خود به کمیته منعکس سازند.

(Manual on Human Rights Reporting Under Six Major International Human Rights Instruments: 401)

۳-۴- مستقیم یا غیرمستقیم

رفتار والدین، دیگر سرپرستان قانونی، دولت، و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با کودکان گاه به طور مستقیم عمال تبعیض علیه آنان است. مثلاً اگر برابر مقرّرات یا رویه‌های عملی کودکان متعلّق به نژادی یا پیرو مذهبی خاص از پاره‌ای امکانات اجتماعی محروم شوند، این مقرّرات و رویه‌ها از مصادیق تبعیض و ممنوع هستند. به عنوان نمونه چنانچه بر اساس مقرّرات کشور، دخترانی که بر اساس اعتقادات مذهبی خود از حجاب استفاده می‌کنند، از تحصیل در آموزشگاه‌های دولتی محروم شوند و آنان ناگزیر به پرداخت هزینه تحصیل در آموزشگاه‌های خصوصی، یا آموزش مکاتبه‌ای یا ترک تحصیل گردند، مشمول تبعیض برخاسته از قانون شده‌اند. تشخیص این نوع تبعیض معمولاً آسان‌تر از قسم دوم، یعنی تبعیض نامستقیم است.

با آنکه اعضای کمیته میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقوله «تبعیض غیرمستقیم» را پذیرفته‌اند، هنوز تلاشی برای تعریف این مفهوم صورت نگرفته است (Craven, 2002: 166). این اصطلاح را می‌توان چنین توضیح داد که گاه اقدامات، تعلیمات و تصمیمات خانواده، دیگر سرپرستان، سایر اشخاص و نهادهای مرتبط کودک و مهم‌تر از همه دولت با چند واسطه بعضاً ناپیدا، موجب تمایز غیرموجه میان کودکان می‌گردد. چنین رفتارهایی نیز باید تبعیض و ممنوع تلقی شود. مثلاً ممکن است سیاست‌های اقتصادی، نظام تقسیم منابع و شیوه بودجه‌ریزی کشور موجب افزایش هزینه‌های گروهی از خانوارهای کشور و یا کاهش درآمد آنان شود. این وضعیت سبب می‌شود کودکان آنان، در مقایسه با کودکان دیگر گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شرایط نامساعدتری قرار گیرند، محرومیت جدیدی به آنان تحمیل شود و یا دست‌کم فقر آنان پایدار بماند (مینوخین، ۸۷-۱۳۸۶: ۱۷۰-۱۵۰). برخی نویسندگان برای وضعیتی که «عمل دولت به

۱. مانند: کودکان بدون خانواده (ماده ۲۰)، پناهنده (ماده ۲۲)، معلول (ماده ۲۳)، کودکان اقلیت‌ها یا بومی (ماده ۳۰)، کودکان آسیب‌دیده از بهره‌کشی اقتصادی و سایر انواع استثمار (مواد ۳۲، ۳۴ و ۳۶)، کودکان درگیر در نظام قضایی و محروم از آزادی (مواد ۳۷ و ۴۰)، کودکان سرپناز (ماده ۳۸).

۲. برای دیدن فهرستی از این وضعیت‌های زمینه‌ساز ایجاد یا پایداری تبعیض، ر.ک:

محرومیت گروهی که در حال حاضر محروم هستند، اضافه می‌کنند، اصطلاح «تبعیض مفروض» را به کار گرفته‌اند (Craven, 2002: 166). این انتخاب که یادآور اصطلاح «تقصیر مفروض» در مباحث مسئولیت مدنی است، اشاره به این موضوع دارد که در تحقق این نوع تبعیض، قصد و نیت دولت ذی‌ربط اهمیت چندانی ندارد. در هر صورت چون این تصمیم دولت، گرچه با واسطه، موجب رفتار ناموجه با گروهی از کودکان شده، «تبعیض» محقق گردیده و مسئولیت ناشی از برعهده دولت قرار گرفته است.

منع تبعیض نامستقیم بدین معنا است که در هر تصمیم‌گیری، از جمله در حوزه اقتصاد باید تأثیرات مع‌الواسطه آن در کاهش یا افزایش تبعیضات موجود علیه کودکان نیز لحاظ گردد. به همین دلیل است که کمیته حقوق کودک از دولت‌ها می‌خواهد در گزارش‌های ادواری، اقدامات خود برای تخصیص سهم ویژه کودکان در بودجه سالیانه کشور را منعکس کنند.^۱

مثال دیگر آن است که فقدان آمار و اطلاعات دقیق در خصوص کودکان، برنامه‌ریزی محلی و ملی برای حل مشکلات آنان را دشوار و گاه غیرممکن می‌سازد.^۲ شناسایی ابعاد معضل کار کودکان یا قاچاق آنان بدون وجود آمارهای دقیق و تحلیل علمی آن‌ها ناممکن است. هم از این رو است که در اسناد بین‌المللی بر «تقویت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات آماری درباره کار کودک»^۳ و نیز «نظارت و مبادله اطلاعات در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد قاچاق مرزی کودکان»^۴ تصریح شده است. فقدان چنین داده‌های آماری، مصداق تبعیض نامستقیم علیه کودکان است.

مثال دیگر، فراگیر نبودن نظام ثبت مولید در برخی کشورها^۵، و بدتر از آن فقدان برنامه و نهادهای لازم برای ثبت ولادت کودکان در شماری از کشورها است. برابر گزارش‌های یونسف در

۱. در بند ۲۰ «رهنمودهای کلی درباره شکل و محتوای گزارش‌های ادواری ...، مصوب ۱۱ اکتبر ۱۹۹۶ کمیته حقوق کودک» به دولت‌ها توصیه شده است: «با استفاده از شاخص‌ها یا در صورت لزوم، ارقام مرتبط با هدف، ... به اقدام‌هایی اشاره کنید که در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی و در صورت اقتضاء در سطوح فدرال و استانی برای حصول اطمینان از اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان تا حد اکثر میزان منابع موجود صورت پذیرفته‌اند ...». برای مطالعه این رهنمودها، رک: (Hodgkin & Newell: 674-694).

۲. کارشناسان، همواره بر اهمیت آمار برای شناخت وضعیت کودکان و برنامه‌ریزی برای بهبود آن تأکید دارند. به عنوان نمونه: «برای اینکه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌توانند به نحو مؤثر و با توجه به مقتضیات هر منطقه به شکاف موجود [آموزشی] پاسخ دهند به آمار تفکیکی دختر - پسر و شهر - روستا برای هر استان است» (یوسف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

3. Resolution adopted by the General Assembly S-27/2. A world fit for children. 10 May 2002.

44. To achieve these goals, we will implement the following strategies and actions: General protection- ... 38. Strengthen the collection and analysis of data on child labour.

4. Resolution adopted by the General Assembly S-27/2. A world fit for children. 10 May 2002. P.46. 44. To achieve these goals, we will implement the following strategies and actions: General protection- ... 46.

Monitor and share information regionally and internationally on the cross border trafficking of children....;

۵. در سال ۲۰۰۰ میلادی، حدود ۵۰ میلیون کودک در سراسر جهان، بیش از دو پنجم متولدان، ثبت نشده بودند. در ایران در سال ۱۹۹۷ میلادی آمارگیری خوشه‌ای شاخص چندگانه (MICS, MOH-UNICEF) نشان داد که ۱۳ درصد تولدها به ثبت نمی‌رسند. ثبت تولد در ایران تحلیلی از وضعیت قوانین مربوطه، مجموعه اطلاعاتی یونسف ایران - سال ۲۰۰۵.

سال ۲۰۰۰ تولد بیش از ۵۰ میلیون نوزاد، یعنی ۴۱٪ از متولدگان جهان ثبت نشده است؛ به احتمال زیاد این کودکان از دسترسی به خدمات اساسی محروم می‌مانند و در برنامه‌های مراقبت بهداشتی و آموزش، فراموش می‌شوند. این در حالی است که ۱۴ منطقه و کشور عمدتاً جزیره‌ای مانند جزایر باهاما، قبرس، تیمور شرقی و قطر اساساً آماری ارائه نداده‌اند، یا از بیخ و بن، فاقد نظام ثبت تولد هستند (وضعیت کودکان جهان در سال ۲۰۰۳، ۱۳۸۰: ۷۷) که نتیجه‌اش ناممکن شدن ملاحظه آن‌ها در آمارها و برنامه‌ریزی‌ها و در نهایت تحمیل تبعیض نامستقیم بر آنان است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که «ایجاد تشکیلاتی برای تضمین تهیه شناسنامه برای هر کودک پس از تولد، یا به فاصله کمی بعد از آن» در اسناد بین‌المللی به عنوان یکی از تعهدات دولت‌ها در حمایت از کودکان ذکر شده است.^۱ به بیان دیگر اصل عدم تبعیض (ماده ۲ پیمان‌نامه) به بررسی وضعیت کودکانی که در حاشیه قرار گرفته‌اند و از جریان توسعه دور هستند، تکیه دارد. دسترسی به اطلاعات تفکیکی برای بررسی این گروه‌ها کلیدی است.^۲ بر همین اساس سران دولت‌ها تصریح کرده‌اند «ظرفیت جمع‌آوری آمار ملی، تحلیل و داده‌های تفصیلی برحسب جنسیت، سن و سایر عوامل مناسب که نشان‌دهنده نابرابری‌ها هستند و کمک به طیف وسیعی از تحقیقات درباره کودکان و نوجوانان هستند را تقویت خواهیم کرد. ما همکاری‌های بین‌المللی را برای ظرفیت‌سازی آماری گسترش خواهیم داد و به ظرفیت‌سازی محلی برای نظارت، ارزیابی و برنامه‌ریزی می‌پردازیم».^۳

با این دقت در این دو مثال (فقدان آمار و اطلاعات ضروری، فقدان یا ناکارآمدی نظام ثبت موالید) مبرهن می‌شود این وضعیت‌ها و موارد مشابه آن، موجب تبعیض نامستقیم علیه متضرران از این کمبودها است و مسئولیت آن برعهده دولت‌هایی است که با نقض این تعهد بین‌المللی خویش، در قالب ترک فعل، زمینه‌ساز آن تبعیض علیه کودکان شده‌اند. البته به عنوان یک اصل کلی می‌توان گفت تبعیض نامستقیم به صرف این‌که یک شخص از قانون یا وضعیتی محتمل خسارتی شده، محرز نمی‌شود، بلکه اگر شخص و سایر افراد مشابه وی، به صورت غالب یا گسترده از آن تصمیم، قانون یا

1. Resolution adopted by the General Assembly S-27/2. A world fit for children. 10 May 2002
44. To achieve these goals, we will implement the following strategies and actions: General protection- 1. Develop systems to ensure the registration of every child at or shortly after birth, and fulfil his or her right to acquire a name and a nationality, in accordance with national laws and relevant international instruments.
2. Article 2 of the CRC argues for capturing the life situations and well-being of excluded groups of children, such as those with disabilities, children in institutions, or refugee children, and to disaggregate available data by age, gender, ethnicity, geography, and economic background. Asher Ben-Arieh, *The Child Indicators Movement: Past, Present, and Future*. Published online: 28 December 2007 # Springer Science + Business Media B.V. 2007
3. Resolution adopted by the General Assembly S-27/2. A world fit for children. 10 May 2002.
- D. Follow-up actions and assessment 60. We will monitor regularly at the national level and, where appropriate, at the regional level and assess progress towards the goals and targets of the present Plan of Action at the national, regional and global levels. Accordingly, we will strengthen our national statistical capacity to collect, analyse and disaggregate data, including by sex, age and other relevant factors that may lead to disparities, and support a wide range of child-focused research. We will enhance international cooperation to support statistical capacity-building efforts and build community capacity for monitoring, assessment and planning.

وضعیت متأثر شده باشند می‌توان گفت، «تبعیض نامستقیم» یا به تعبیری «تبعیض مفروض» محقق شده‌است (Craven, 2002: 166).

خلاصه آنکه قید «غیرمستقیم» در تعریف «تبعیض علیه کودکان»، گویای آن است که هر گونه سیاست‌گذاری، تقنین و رویه عملی که نامستقیم و با واسطه نیز موجب تمایز غیرموجه، نامتناسب و غالبی میان کودکان یا گروهی از آنان گردد، فارغ از وجود قصد تحقق این نتیجه نامطلوب یا عدم اثبات چنین قصدی از سوی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران و مجریان، مشمول عنوان «تبعیض» و نتیجتاً ممنوع و مسئولیت‌آور است.

۳-۵- نقض کرامت انسانی کودک

ارتباط تبعیض و نفی کرامت انسانی کودک نکته‌ای است که از تأمل در اسناد عام حقوق بشر و خاص حقوق کودک دریافت می‌شود. عبارات فراوانی بر این موضوع دلالت دارند که تبعیض به کرامت انسانی افراد از جمله کودکان صدمه می‌زند، رشد و بالندگی آنان را نفی می‌کند و شکوفایی توانایی‌های ایشان را مخدوش می‌سازد. به بیان دیگر علت غایی نفی تبعیض، فراهم آمدن زمینه رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد است.

با تفسیر موسع بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌توان نسبت مستقیم رشد شخصیت انسانی و نفی تبعیض، تعصب و ستیزه‌جویی را استنباط کرد. این مقررّه تصریح می‌کند: «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را به حد کمال رشد آن برساند، و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه صلح تسهیل نماید».

در بند ۱ ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با عباراتی شبیه مقررّه فوق، مفاهیم «توسعه کامل شخصیت انسانی و حس کرامت» و «تفاهم، مدارا، دوستی میان همه ملل و گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی» مرتبط با هم دانسته شده‌اند.^۱

نمونه ذکر این موضوع در اسناد خاص حقوق کودک، جمله آغازین مقدمه پیمان‌نامه است که با تأکید بر منشور سازمان ملل متحد، خاطر نشان نموده «شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا

۱. ماده ۱۳: ۱- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیر قابل انکار همه اعضای خانواده بشری است». این سرآغاز بروشنی از ربط وثیق منزلت انسانی افراد، از جمله کودکان، و حقوق مساوی، یعنی نفی تبعیض حکایت می‌کند. در ادامه مقدمه نیز با یادآوری اینکه کودک «باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی پیدا کند»، به شماری از آرمان‌های اعلام شده در منشور سازمان ملل اشاره گشته که کودک باید در پرتو آن‌ها رشد کند. این آرمان‌ها عبارتند از «صلح، عزت، آزادی، برابری و همبستگی». تصور این موضوع موجب تصدیق آن است که تبعیض و نابرابری، هم عزت و کرامت انسانی را بر باد می‌دهد و هم صلح و همبستگی را.

از دیگر نشانه‌های ارتباط میان وضعیت «رهایی از تبعیض» و «رشد همه جانبه کودک» ماده ۲۹ پیمان‌نامه است که اهداف آموزش کودک را بیان می‌دارد. قسمت «الف» بند ۱ آن بر «رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک تا حد امکان»، و قسمت «د» آن بر «آماده سازی کودک برای یک زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه تفاهم، صلح، مدارا، مساوات بین زن و مرد و دوستی میان همه مردمان، گروه‌های قومی، ملی و مذهبی و بومیان» تأکید ورزیده است. نحوه تدوین این عبارات و درج این آن‌ها ذیل عنوان اهداف مورد توافق دولت‌های عضو در آموزش کودکان، گواه روشنی بر ربط وثیق میان تفاهم، مدارا، مساوات و دوستی، که بیان‌های مختلف نفی تبعیض هستند با رشد همه جانبه و متوازن کودکان است.

جالب توجه است که هر دو پروتکل الحاقی به پیمان‌نامه، هر یک متناسب با موضوع اصلی خود، ارتباط رفتارهای تبعیض آمیز و نقض کرامت انسانی کودک را یادآوری کرده‌اند. در مقدمه پروتکل درباره خرید و فروش، خود فروشی و هرزه‌نگاری کودکان^۱، هم از حمایت و رشد متوازن کودک سخن رفته و هم از تبعیض اقتصادی، ساختار نابرابر اجتماعی - اقتصادی و نیز تبعیض جنسیتی به عنوان برخی عوامل مؤثر در بروز پدیده‌های شوم خرید و فروش، خود فروشی و هرزه‌نگاری کودکان نام برده شده است. پروتکل راجع به منع بکارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه^۲ نیز در پاراگراف دوم مقدمه، نیز «پیشرفت مستمر و بدون تبعیض وضعیت کودکان و همچنین رشد و آموزش ایشان در شرایط صلح و امنیت» را به عنوان یکی از اهداف کشورهای عضو مطرح کرده است.

تدوین‌کنندگان «میثاق حقوق کودک در اسلام» نیز به نسبت معکوس تبعیض و حفظ کرامت انسانی کودک توجه داشته و توجه داده‌اند. ماده ۲۰ این سند والدین و دیگر سرپرستان قانونی طفل

1. *Optional Protocol on the sale of children, child prostitution and child pornography.*
2. *Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict.*

را مکلف می‌داند کودک را از رفتار مخالف رفاه، کرامت و رشد وی، همچنین عملکرد موجب تبعض میان کودکان بر مبنای جنسیت یا دیگر جهات، باز دارند»^۱.

گفتنی است در برخی قوانین ملی هم به ارتباط این دو موضوع توجه شده است. مثلاً در اصل ۲۲۷ قانون اساسی جدید بزریل تأمین کرامت انسانی، احترام و آزادی کودک، همچنین حمایت وی در برابر هرگونه غفلت، تبعض و سوءاستفاده، از وظایف دولت تلقی شده است (Himes, 1995: 12).

در تبیین نسبت دو مفهوم «کرامت انسانی» در معنای عام، از جمله کرامت کودک و «نفی تبعض» می‌توان آن دو را لازم و ملزوم همدیگر دانست. بدین معنا که هر جا عزت و کرامت شخص نقض و مخدوش شده، حتماً علیه او تبعض و تمایز غیرموجهی اتفاق افتاده است. همچنین هر زمان رفتار تبعض‌آمیزی رخ دهد، لزوماً کرامت انسانی و عزت نفس قربانی تبعض، مخدوش یا نقض شده است.

برای تأکید بر مرتبط و ملازم بودن این دو مفهوم است که به عنوان رکنی از ارکان تعریف، تصریح شده نتیجه محتوم تبعض، نفی کرامت انسانی کودکان است؛ و از منظر دیگر، غایت اصل نفی تبعض، تأمین کرامت انسانی کودکان است.

منابع

الف - فارسی

۱. مینوخین، آبرتو و دیگران؛ فقر کودکان: بررسی مفاهیم و اندازه‌گیری، حقوق بشر، جلد دوم و سوم، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷.
۲. وضعیت کودکان جهان در سال ۲۰۰۳، ترجمه هادی غیرایی، تهران، یونسف، ۱۳۸۰.
۳. یوسف‌زاده، سپیده؛ وضعیت کودکان ایران (تحلیل وضعیت، رویکردها و چالش‌ها)، جلد دوم و سوم، حقوق بشر، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷.

ب - لاتین

4. A League Table of Child Maltreatment Deaths in Rich Nations, Innocents Report Card, Issue No. 5, 2003, Figure 3.
5. Dan O'Donnell & Dan Seymour, *Child Protection*; A handbook for parliamentarians. Inter-Parliamentary Union and UNICEF, 2004.
6. Committee on the Rights of the Child, General Comment 1, 2001, HRI/GEN/1/Rev.5, article 29.
7. Detrick, Sharon, *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child*, Kluwer Law International, Hague, The Netherland, 1999.

1. Article Twenty... 2. Parents or the one legally responsible for the child and states parties to this covenant shall protect the child from... practices which have negative effects on his/her welfare, dignity or growth, as well as those leading to discrimination between children on the basis of sex or other grounds, in accordance with the regulations and without prejudice to the Islamic Sharee'ah.

8. **European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHR)**, (Signed by Council of Europe member states in 4 November 1950, Rome, Effective 3 September 1953).
9. **Human Rights Committee, General Comment 17**, 1989, HRI/GEN/1/Rev.5.
10. **Hundreds of millions of children worldwide are victimized by war, violence, exploitation, neglect and other forms of abuse and discrimination, Investing in the Children of the Islamic World.** UNICEF, 2005. New York, USA.
11. James R. Himes, *Implementing the Convention on the Rights of the Child, Resource Mobilization in Low-Income Countries.* UNICEF, International Child Development Centre, Florence, Italy.1995.
12. **Manual on Human Rights Reporting Under Six Major International Human Rights Instruments**, United Nations, Geneva, 1997.
13. Matthew C.R. Craven, *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, A Perspective on Its Development*, Oxford University Press, London, 2002.
14. **Optional Protocol on the sale of children, child prostitution and child pornography.**
15. **Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict.**
16. Rachel Hodgkin & Peter Newell, *Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child*, Fully revised edition United Nations Children's Fund (UNICEF), New York, June 2002.
17. **Resolution adopted by the General Assembly S-27/2. A world fit for children,10 May 2002.**

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی